

بر شما کرد، به همان گونه که بر شما ستم می‌کند بر او ستم روا دارید و از خداوند پروا کنید و بدانید که او با پرهیزکاران است (بقره، ۱۹۳، ۱۹۴).

عدوان در اصطلاح به معنای فعل یا «ترک فعل» قابل نکوهش است که خلاف قانون یا عرف یا عقل سلیم است. اگر مخالف عقل سلیم باشد نام آن، عدوان عرفی است. نقض قرارداد عدوان است. اگر کسی نادانسته مال مسروقه بخرد عدوان نکرده است هر چند ضامن است. عدوان رکن ضمانات (مدنی و کیفری) است. جهل به قانون رافع عدوان نیست. اذن مالک به دیگری و تصرف در مال، رافع عدوان است، مگر این که آن اذن را قانون بی اثر شمارد مانند تصرف رشوه گیر در مال رشوه. عدوان ممکن است بالمباشره و یا به صورت تسبیب باشد (← قاعده اتلاف و تسبیب) مانند خودداری از تعمیر دیوار که بر اثر باد ساقط گردد و به همسایه یا عابری زبان رساند. از صغیر، دیوانه و سفیه، عدوان سر نمی‌زند؛ ضمان آنان تابع نصوص قانون است و نه به جهت عدوان؛ چنانچه در باب قصاص گفته شده، قاتل وقتی مستحق قصاص است که قتل نفس، عدواناً صورت بگیرد بنابراین فعل کودک و مجنون موجب قصاص نمی‌شود، و چون عمل آنها عدوان شمرده نمی‌شود و آنان مکلف نیستند. اگر کسی به دیگری ضرر بزند، فرض قانون بر عدوان است مگر این که خودش عدم عدوان را ثابت کند، مانند تلف مالی که مردم به صاحبان حرفه می‌سپزند.

منابع: قرآن، ترجمه، توضیحات و واژه‌نامه بهاءالدین خرمشاهی؛ تفسیر شریف لاهیجی، ۶۰۵؛ المعجم الوسیط؛ لسان العرب، ابن منظور؛ تفسیر المیزان، علامه طباطبایی؛ الکافی؛ کلینی؛ تشریح لعمه، کتاب قصاص، شهید ثانی؛ قاموس قرآن، قرشی؛ عواید الایام، ۷۵.

محمدحسن سعیدی

عِدَّة، از مصدر ثلاثی مجرد عَدَّ، یعنی شمارش کردن و عده اسم است برای شینی معدود مانند روزهای شمارش شده یا جمعی قابل شمارش. مشتقات عَدَّ در آیات چندی از قرآن کریم آمده است. عِدَّة از نظر فقهی، اصطلاحی است برای مدت معدود و معینی که زن مطلقه و زنی که شوهرش فوت شده باید در آن مدت از ازدواج مجدد خودداری کند و این اصطلاح را ایام استبراء یا ایام طهر نیز گفته‌اند. مدت مزبور طبق احکام قرآنی و فتاوی فقهاء امامیه بنابر فوت شوهر یا انواع طلاق واقع شده، فرق کرده و کم یا زیاد می‌شود. ایام عده بعضاً در آیاتی از قرآن کریم تصریح شده و مورد حکم قرار

عدوان، به صَمّ اول و سکون دوم، به معنای از حد درگذشتن، دشمنی کردن، تجاوز، ستم کردن، دشمنی آشکار و از ثلاثی مجرد عَدُوٌّ است. مشتقات گوناگونی از این ریشه در قرآن به کار رفته است. کلمه عدوان در هشت مورد در قرآن دیده می‌شود و اغلب به همراه کلمه اثم آمده است: عداوت و معادات نیز به معنای دشمنی آمده است و تعدّی و اعتداء در معنای از حد درگذشتن، تجاوز و ستم کردن به کار رفته است. اثم به معنای گناه و جرم و عدوان به معنای ظلم است: وَلَا يَجْرِ مَنكُم سَنَّانٌ قَوْمٍ أَنْ صَدَّوْكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا، وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ= و دشمنی با مردمی که شما را از مسجد الحرام بازمی‌دارند برآنتان ندارد که تجاوز کاری کنید؛ و در نیکی و پارسایی همدستی کنید، نه در گناه و ستمکاری (مائده، ۲). عدوان به معنای عدم رعایت عدالت در رفتار و معامله با دیگران است، لذا بهتر است آن را ظلم معنی کرد، یعنی در گناه و ظلم همدیگر را یاری نکنید. بنابراین اثم اعم از عدوان است چنان که در آیه ۲۸ سوره قصص آمده: قَالَ ذَلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَيَّمَا الْأَجَلَيْنِ قَضَيْتُ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ وَاللَّهُ عَلَيَّ مَا تَقُولُ وَكَيْلٌ= [موسی] گفت این بین من و تو باشد که هر کدام از دو مدت را به سر بردم، از من زیاده خواهی نشود و خداوند بر آنچه می‌گویم ضامن و [شاهد] ما است. مراد از عدوان در این آیه، ظلم و عدم رعایت عدل است. بعضی از مفسرین گفته‌اند مراد از اثم، گناه نسبت به خویش و از عدوان، ظلم به دیگران است؛ به عبارت دیگر اثم گناهی غیر متعدی و عدوان گناهی متعدی است. در بعضی احادیث منقول از ائمه عبارت «عَلَى الظُّلْمِ وَالْعُدْوَانِ» آمده چنان که از امام باقر (ع) روایت شده است (الکافی، ۳۷۴/۲)، شیخ طبرسی عدوان و ظلم را هر دو یکی دانسته؛ اما بعضی گفته‌اند به نظر می‌رسد مراد از ظلم، عصیان و ظلم به نفس و از عدوان، ظلم به دیگران است (قاموس قرآن). در قرآن، عدوان در یک صورت، مجاز و روا شمرده شده و آن، در صورت مقابله است: وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنِ اتَّهَمُوا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ. الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنْ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ= و با آنان چندان نبرد کنید که فتنه شرک باقی نماند و دین فقط دین الهی باشد و چون دست برداشتند ستم نباید کرد مگر بر ستمگران؛ ماه حرام در برابر ماه حرام است و حرمت [شکنی] ها را باید مقابله به مثل کرد، پس هر کس که ستم

Adāvet

Abi Teymūyye, Mecmūi Fetāwā,
c. VI, s. 478

297-55
TEY.UM

- Düşmanlık

Nūrat-Hakika, 259-261.

D. Baş: 4770.

Düşmanlık,
Alusi, Ruhul-Meānī, XXII, 28.
DIA Ktp 297-211 ACU-R

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

زرگران، فرخنده

۶۸۶۸ - «دشمن شناسی از دیدگاه

امام علی (ع)»، پیام حوزه، بیابن ۲۸ و ۲۹، ص ۳۰۰-

۱۳۲۶، فارسی، کتابنامه: به صورت زیرنویس و ۲۲۶.

کد پارسا: A۳۳۰۵۱ *Düşmanlık*

دشمن شناسی؛ سیره سیاسی و اجتماعی امام

علی (ع) (امام علی (ع))

نویسنده ابتدا به اهمیت دشمن شناسی در اسلام اشاره شده و سپس شناسایی دشمنان و ویژگی های خاص آنان از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. وی معرفی دشمن را یکی از اهداف اساسی معصومین (ع) ذکر کرده و علت شکل گیری دشمنی ها در حکومت علوی را ایجاد اصلاحات گسترده امام علی (ع) در صحنه های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دانسته است. در این مقاله، سه دسته از دشمنان اصلی علی (ع) یعنی مارقین، ناکثین و قاسطین به اجمال مورد معرفی واقع شده و تاکتیک های مختلف آنان علیه حکومت علوی و موضع گیری حضرت علی (ع) در قبال ایشان شرح گردیده است.

10 TEM 2008

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

الهادی الى موضوعات نهج البلاغة ۳۶۸

21 JAN 1993 65

Düşmanlık

Dirāse fi Mesākilitil-İshlāhiyye, 123-133.

D. Baş: 3849.

العدو
Düşmanlık
Adı

ilim dah: DIA

madde: *Düşmanlık*

A. Br. : c. ,s.

B. L. : c. VI, s. 3464

F. A. : c. ,s.

M. L. : c. IV, s. 6-7

T. A. : c. XIV, s. 223-224

10 KASIM 1991

Düşmanlık
Hifnī, 'Abd al-Ḥalīm.
(Inṣāf al-khiṣm fī al-Qur'ān
wa-atharuhu al-i'lāmī)
انصاف الخصم في القرآن وآثره
الإعلامي / تاليف عبد الحليم حفيظ. --
(Cairo) : الهيئة المصرية العامة
للكتاب، 1992.

363 p. ; 24 cm.
Includes bibliographical
references.

£8.00
Koran
Egy-Islam & Islamic Law.



التي مننتها بعد سارمى وأقرمتها فما . رقتم لها وشيخ
بعض غواميضها . وعنتن مليتا الدكتور جميل جيز

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Demirbaş No:	25069
Tasnif No:	892.7 CAH.B

الطبعة الثالثة

دار المشرق
بيروت

١٩٩٢

Düşmanlık (182-191)

07 TEMMUZ 1994

MADDE TAYİNİ ANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

Printed with the assistance of
the Burkitt Foundation
Houston, Texas, U.S.A.

١٨٣ من رسالة فصل ما بين العداوة والحسد

فيا سلف بحب الرياسة ، وكذلك من يهلك ، الى انقضاء الدهر ، فبحب الرياسة :
هلاك الناس مذ كانوا الى ان تأتي الساعة
بحب الامر والنهي وحب السمع والطاعة
فأشكل على العامة أمر العالم الحقيقي والمدعي المجادل والمتحلل للزور والباطل .
ثم ترادف عليهم من هذه العلة التي يعمي لها السبيل الواضح والطريق المنشأ على الجاهل
المستضعف وذو الغنا المسترهف .

ولست آمن - جعلني الله فداك - ان تكون هذه الكتب التي أعني بتأليفها وأتأنت
في ترصيفها ، يتولى عرضها عليك من قد لبس لباس الزور في انتحال وضع مثلها ،
ونسب نفسه الى القوة على نظائرها والمعرفة بها يقاربه ان لم يكن أخاها فابن عمها ،
ويسبغ بما لم يطعمه الله منها . ولعل بعض من حوله او بعض من يهزل به ويرتع في
عقله ويلهو بلبه ويضعه على طباطبة اللعب وفي ارجوحة العيث يوهمه الحسد له على
ما يدعي من ذلك ، ويتقدم الى آخرين في ايامهم آياه ذلك ، فيزيده فعلهم ضراوة
بادعاء ما ليس معه وهو منه عار ، فاذا رجع الى الحقائق علم ان مثله كما قد قيل :

ومن يسكن البحرين يعظم طحاله ويغبط بما في البطن والبطن جائع

وقد قيل الذئب يغبط وهو جائع ، فيلتوي في قراءتها ويقبض لسانه عن بسط
ما يحتاج ان ينشره منها ويقصر في تفخيم حروفها ولا يملأ فمه منها .

بل لا آمن ان يتجاوز ذلك الى الطعن عليها بقول او اشارة ، فيوهم فساد معانيها
ويؤمى الى سقوط الفاظها ، من غير ان يظهر المعادة لها والحسد لمولفها والحمل عليها
بقول يكون دليلاً على ما يضر ، وهو البغ ما يكون من قلب المستمع وانجمه فيه ،
فيقع ذلك بخلده . وقد قيل : من يسمع يخجل . وليس يقابله احد برد ولا يوازيه بنزاع ،
فيزداد نشاطاً عند ما يرى من خلاء الأمر . وقد قيل : كل مجر في الخلاء يسبق وكل
مناظر منفرد بالنظر مسرور . وانما يعرف جري الخيل عند المسابقة وبراعة النظر عند
الخاصة .

وقال لي بشر المريسي : عرض كتابي على المأمون في تحليل النبيذ ، وبحضرتة محمد
ابن ابي العباس الطوسي . فانبرى محمد للطعن عليه والمعارضة للحجج التي فيه ،
وأسهب في ذلك وخطب واكثر واطنب . فغلق المأمون واحتمد وماج واضطرم ،
لاستحقار الطوسي وخلاء المجلس له . وكان يجب ان يزعه وازع يكفه بحجة تسكته ،

ما بين العداوة والاحمد

انه لم يخل زمن من الازمان فيما مضى من القرون الذاهبة الا وفيه علماء مُحققون ،
قد قرأوا كتب من تقدمهم ودارسوا أهلها ومارسوا ... لهم وعابوا المخالفين عليهم ،
فمخضوا الحكمة وعجموا عيدانها ، ووقفوا على حدود العلوم ، فحفظوا الأمتيات
والاصول ، وعرفوا الشرائع والفروع ، ففروا ما بين الاشباه والنظائر ، وصاقبوا بين
الاشكال والاجناس ، ووصلوا بين المتجاور والمتوازي ، واستنبطوا الغامض الباطن
بالظاهر البين ، واستظهروا على الخفي المشكل بالمكشوف المعروف ، وعرفوا بالفهم
الثاقب والعلم الناصع ، وقضت لهم المحنة الذكاء والفطنة . فوضعوا الكتب في ضروب
العلوم وفنون الاداب ، لأهل زمانهم والاختلاف من بعدهم ، يزدلفون بذلك الى الممتن
عليهم بفضل المعرفة التي ركبها الله فيهم وأبأنهم من غيرهم وفضلهم عليهم ، ويباهون به
الامم المخالفة لهم ، ويتبارون فيما بينهم .

ولم حساد معارضون من أهل زمانهم في تلك العلوم والكتب منتحلة يدعون مثل
دعوايهم ، قد سمو انفسهم بسيات الباطل وتسموا باسماء العلم على الخجاز من غير
حقيقة ولبسوا لباس الزور متزخرين متشبعين بما لا محصول له ، يحتذون أمثلة المحققين
في زيهم وهدبيهم ويقفون آثارهم في أفاظهم وألحاظهم وحركاتهم واشاراتهم ، لينسبوا
اليهم ويحلوا محلهم . فاستألوا بهذه الحيلة قلوب ضعفاء العامة وجهلاء الملوك، واتخذهم
المعادون للعلماء المحققين عدوة يستظهرون بهم عند العامة . وحمل المدعية للعلم المزور
الحسد على بهت العلماء المحققين وعضههم والطعن عليهم ، وجرأهم على ذلك ما رأوا من
صغر ضعفة القلوب وأذلة الناس اليهم وميل جهلاء الملوك معهم عليهم . وأملوا ان ينالوا
بذلك بشاشة العامة ، وتستوي لهم الرياسة على طعام الناس ورعايهم ، ويستخولوا رعايهم
وقومهم . فهمزوا وهددوا ، وتوردوا على اهل العلم بغباوتهم وكشفوا اغطية الجهل عن
انفسهم وهتكوا سترأ كان مسدلاً عليهم بالصمت - فقد قيل الصمت زين العالم وستر
الجاهل - طمعاً في الرياسة وحباً لها . وقد قيل :

حب الرياسة داء لا دواء له وقيل ما يجد الراضين بالقسم

ولم يخل زمن من الازمنة من هذه الطبقة ، ولا يخلو . وهلاك من هلك من الامم

كتاب المعاني الكبير في آيات المعاني

للإمام محمد بن عبد الله بن مسلم بن قتيبة الدينوري
المتوفى سنة ٢٧٦ هـ

Düsmank 845
(calınlığı devrinde) 897

المجلد الثاني

دار الكتب العلمية
بيروت - لبنان

هياراً أي تنهار أي لم يجدوك ضعيفاً، ولا سقط الألية الكذاب
الحلف، أخرم - أي لا تنخرم أليتك فتذهب باطلاً، والأخرم لا
يثبت على رأي واحد، وهدة منهدة مسترخية. وقول آخر (١):
تفرقت لا زلتم قرن واحد
يقول لا زلتم ضعفاء لا تقاومون الا واحداً.

العداوة والبغضاء

قال الشاعر (٢):

ومولي كأن الشمس بيني وبينه اذا ما التقينا ليس من أعبائه
يقول: لا أقدر أن أنظر اليه من بغضه فكأن الشمس بيني وبينه.
وقال الفرزدق (٣):

وما خاصم الأقوام من ذي خصومة كورها مشنوء (٤) اليها حليلها
تراها اذا اصطف الخصوم كأنها ترى رفقة من ساعة تستحيلها
يقول هي طامحة الطرف عن زوجها لا تنظر اليه من بغضه فكأنها
تنظر الى رفقة من بعد تستحيلها، يقال: إستحل الشخص اي نظر
هل يزول.
وقال آخر (٥):

يتقارضون إذا التقوا في موطن نظراً يزيل مواطنهم
(١) في امالي القاضي (٧٢/٣) لابنة عدى بن الرقاق.

تجمعتم من كل اوب وبلدة على واحد لا زلتم قرن واحد
(٢) عيون الاخبار (٢، ١٩١) وشرح الحماسة (١١٩/١) وراجع العمدة (٢٢٢/٢)
- ي (٣) ديوانه ١ ب ٢١ و ٢٠ (٤) شكل في النقل بالرفع والاوجه بالجر - ي (٥)
اللسان (٨٣/٩) ك. والصناعتين ص ٢٨١ - ي

حشو (١) والمعنى: ان كنت لا تكذب الساعي بي اليك ولا تنكله
ويميني على البراءة تنفعي فاني أحلف وهل يأثم ذو أمة اي ذو دين
واستقامة (٢) وهو طائع لم يجبر، وقوله (٣):

وذلك أمر لم أكن لأقوله ولو كُبلت في ساعدي الجوامع
يقول لو حُبت (٤) حتى أغل لم أكن لأقول ما بلغك.

وقال عدي بن زيد في قصة الزباء وقصير (٥):

فردته بضِعفي ما أتاه ولم تكبل على المال يميناً (٦)

لم تكبل لم تعقد على المال بأن تحلف (٧) لا يخرج مالي هذا اليوم من
يدي اليك. وقال ساعدة [بن جؤية] (٨):

ينيلان بالله [المجيد لقد ثوى لدي حيث لاقى زينها ونصيرها]
اي يحلفان، وقال كثير (٩):

فما وجدوا منك الضريبة هدة هياراً ولا سقط الألية أخرم

= البيت وبعده « فانك كالليل... » وهذا جواب قوله « فان كنت » وقوله « فلم اترك
لنفسك رية » يحتل وجهين الاول لم اترك لنفسك رية في اليمين فاني ابلغت فيه
وصرحت، الثاني انه خبر عما يجب لا عما وقع كأنه قال حلفت وانا ذو دين فيبغي ان لا
تبني في نفسك رية - ي (١) ليس هذا بشيء - ي (٢) في النقل « استقاضة » ي (٣)
ديوان (١٧ ب ٢٠) (٤) في النقل « حنيت » بضم الحاء وتشديد النون وفي شرح الديوان
« لم أكن لا قوله ولو حُبت حتى يبلغ من حبي ان اغل » - ي (٥) الزباء ملكة الحضرمين
وقصتها مع جذيمة وقصير مشهورة انظر تاريخ الطبري سلسلة ١ ص ٧٥٧ - ٧٦٦ - ك -
اقول وفي ترجمة عدي من الشعر والشعراء قطعة من القصيدة - ي (٦) الظاهر « اليمين »
- ي (٧) في النقل « يحلف » وعلى هامشه « بالاصل - تحلف » اقول وهو الصواب - ي
(٨) ديوانه ١٠ ب ٢٧ واللسان (٢٠٩/١٤) (٩) اللسان (١٣٠/٧).

040704

DÜŞMANLIK

1 TURHAN YOLDAŞ, Kur'an'ı Kerim'de aduv ve adavet kavramları, Fırat Üniversitesi, Yüksek Lisans, 2012

كتاب
المعاني الكبير
في أبيات المعاني

للأبي محمد عبد الله بن مسلم بن قتيبة الدينوري
المتوفى سنة ٢٧٦ هـ

Dusmanile

1125-1146

المجلد الثاني

دار الكتب العلمية
بيروت - لبنان

١١٢٦

فلان عندي باليمين، أي بالمنزلة العليا.
وقال الأعشى (١):

أرى رجلاً منهم أسيفاً كأنما يضم إلى كشحيه كفاً مخضباً
اسيف غضبان كأن هذا الرجل من شدة غضبه قطعت يده
فغضب لذلك، وعادة كل إنسان إذا أرسل يديه لم يشغلها بعمل إن
تقعا على كشحيه، أما قوله كفا - واحدة وهما كشحان فذلك لضمه
يديه جميعاً وإن كانت المقطوعة أحدهما ولم يخف اللبس لقرب المعنى
من الفهم وإحاطة العلم بأن كفا واحدة لا تضم إلى الكشحين، ومثل
هذا كثير في كلامهم.

وقال آخر (٢):

وفينا وإن قيل اصطلاحنا تضاعن كما طرأ أو بار الجراب على النشر
[الكلا (٣)] إذا جف ثم أصابه المطر فاخضر فهو النشر وهو داء
كله إذا [أكلته (٣)] الماشية. يقول نحن وإن أظهرنا الصلح ففي قلوبنا
غير ذلك كما إن هذه (٤) الجراب [أكلت (٣)] النشر فطرت أوبارها
وحسن ظاهرها وفيها من الداء ما فيها. ومثله [لزفر بن الحارث
الكلابي (٥)]:

وقد ينبت المرعى على دمن الثري وتبقى حزازات النفوس كما هيا

المرعى إذا نبت على الدمن أخبث المرعى فكما ظاهر هذا المرعى
حسن وداخله ردىء كذلك نحن. ومثله (١):

ولا يغرنك أضغان مزملّة قد يضرب الدبر الدامي بأحلاس
الأضغان الأحقاد أي تستر كما تستر هذه الأحلاس وتحتها الداء
فكذلك هذه الأضغان تستر وفي داخلها ما فيها. ومنه قول الكميت:
ولم أحلس على جلب (٢).

وقال آخر (٣):

فلا تواعدونا بالجياد فاننا لكم مضعة قد لججعت فأمرت
ويروي نجنجت، والمعنى أنها رددت في الفم، والجياد الخيل،
أمرت صارت مرا، والمعنى انكم لا تسيغوننا ولا تقدرتون علينا.
وقال معقل بن خويلد (٤):

أبا معقل ان كنت أشحت حلة أبا معقل فانظر بنبلك من ترمي
أي [ان (٥)] كنت أعطيت جاها وقدرا فانظر لمن تعرّض
أشحت ووشت سواء:

أبا معقل لا تو طيشنكم بغاضتي رؤوس الأفاعي في مراصدها الحرم
أبو عمرو يرويه: بغاضتي بكسر الباء، يقول لا يحملنك بغضتي

(١) انظر ديوانه ١٤ ب ٢٣ وراجع ما تقدم الورقة (٢) عمير بن الحباب فراجع ما
تقدم الورقة ١١٠ (٣) محو بالأصل (٤) في النقل «هذا» - ي (٥) انظر ما مضى
ورقة ١١٠.

(١) انظر ما مضى ورقة ١١٠ (٢) بالأصل «جلب» (٣) مر في الورقة ١٠٩ (٤)
اشعار هذيل ٥٣ ب ١ و ٢ (٥) سقطت من النقل.

Duzmanlik

MADRY
NOTES

بيولوجي وفيزيولوجي، حيث يكون العدوان إما سلوكاً غريزياً فطرياً أو سلوكاً ناجماً عن نشاط هرموني أو كيميائي أو كهربائي في الجهاز العصبي المركزي.

وهناك من يعتقد أن العدوان سلوك متعلم عن طريق ملاحظة نماذج من سلوك الآباء والإخوة والرفاق وغيرهم، حيث يبدو أن العدوان يزداد احتمال تعلمه إذا ما تمت مكافأته عندما يحصل الشخص المعتدي على ما يريد بسهولة ويسر، أو إذا ما كانت اتجاهات المجتمع نحو العدوان إيجابية.

وهناك من يؤكد أن إحباطات الحياة اليومية تستثير الدافع على العدوان حسب نظرية الإحباط - العدوان، حيث يستدعي الإحباط حافزاً عدوانياً يستثير الدافعية إلى السلوك العدواني، وهذه العلاقة بين الإحباط و العدوان ليست حتمية، إنما توجد عوامل أخرى عديدة تشارك في نمو السلوك العدواني وبقائه.

إيمان عز

الثانية، لكون الحالة الثانية متصلة في سمات الشخصية أو متأثرة بها. ويمكن القول إن كل الأشخاص يمرون في فترة ما من حياتهم بسلوكات عدوانية مقبولة من المنظور الاجتماعي، وهذا ما يشار إليه على أنه العدوان كحالة، وهذه الحالة لا تستدعي العلاج إلا إذا طلب الشخص ذلك. في حين أن الحالة الثانية تختص بها فئات معينة من الناس حيث تؤدي العوامل الوراثية والجينية دوراً مهماً في ذلك، وهذا ما يشار إليه على أنه العدوان كسمة، وغالباً ما تستدعي العلاج النفسي والقانوني لأن الأذى الذي يلحق بالآخرين يكون متكرراً وشديداً.

أسباب العدوان

هناك نظريات متعددة حول أسباب العدوان وعوامله، وجميع هذه النظريات صحيحة جزئياً؛ إذ إنها كلها تلعب دوراً في ظهور العدوان؛ فالبعض يعتقد أن الأمر لا يخرج عن إطار

يكون المعتدى عليه إما شخصاً واحداً أو جماعة من الأشخاص.

- جهة العدوان

يمكن التمييز بين نوعين من العدوان حسب جهة العدوان وتوجهه هما:

أ - العدوان الذاتي: حيث يتجه العدوان مباشرة إلى الذات أو إلى ممتلكاتها كالانتحار مثلاً أو محاولة سب النفس وشمها أو إيذائها.

ب - العدوان الغيري: حيث يتجه العدوان مباشرة إلى الآخرين كضربهم أو سرقتهم أو إحراق بيوتهم أو أسيانهم.

حالة العدوان وسمته

يمكن التمييز، عند النظر إلى العدوان، من حيث كونه سلوكاً يظهر في مواقف معينة، أو من حيث كونه سلوكاً ثابتاً يظهر في كل المواقف أو معظمها، حيث يرتبط الأمر في جلّه بقدرة الشخص على ضبط سلوكه العدواني، فالشخص في الحالة الأولى أكثر قدرة على الضبط منه في الحالة

الموضوعات ذات الصلة:
الغريزة

مراجع للاستزادة:

- نعيم الرفاعي، الصحة النفسية، الطبعة التاسعة (جامعة دمشق، دمشق 1992).
- مكتب الإنماء الاجتماعي، سلسلة تشخيص الاضطرابات النفسية (المجلد الثاني، الكويت 2000).
- سن، شمس وف، مسلمان، مفككات الاطفال و المراهقين و اساليب المساعدة فيها، (ترجمة)، الطبعة الثانية (الجامعة الأردنية، عمان 2001).

■ العدوان (قانوناً)

مما لا شك فيه أن الجريمة الدولية هي أخطر أنواع الجرائم على الإطلاق، وأكثرها تهديداً لأمن المجتمع الدولي وسلامته واستقراره. تمثل الجريمة الدولية عدواناً على المصالح الأساسية للمجتمع الدولي، التي تتمتع بحماية النظام القانوني الدولي، ذلك أن المجتمع الدولي يستلزم لشيوع الأمن والطمأنينة في روعه ضرورة الحفاظ على عدد من المصالح ذات الأهمية

وجرائم الحرب والجرائم ضد الإنسانية.

توصلت الجمعية العامة للأمم المتحدة بموجب قرارها 3314 عام 1974 إلى تعريف للعدوان، منهيّةً بذلك جديلاً استمر سنوات طويلة بين الدول حول أهمية تعريف العدوان، وبموجب قرارها هذا عرفت الجمعية العامة العدوان بأنه: «استخدام القوة المسلحة من قبل دولة ما ضد دولة أخرى، أو

الملحوظة لكفالة استمرار الحياة فيه على نحو مستقر. ويعد السلام من أهم هذه المصالح التي يتم انتهاكها عند ارتكاب جريمة العدوان aggression التي تشكل الخطر الأكبر على حفظ الأمن والاستقرار في المجتمع الدولي، وضمن استمرار الحياة فيه؛ فالعدوان هو مصدر الشر والخراب، وهو الجريمة الأم التي ترتكب من خلالها كل أنواع الجرائم الأخرى، كجرائم الإبادة

يتمنون للكفار الخير دائماً، ولكن هذا الخير مهما بلغ فإنه لا قيمة له عند الله تعالى حتى يصدر عن إيمان يسكن قلوب الكفار، كما قال تعالى في سورة الفرقان/٢٣ ﴿وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنَّ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَنْثُورًا﴾ وقوله في سورة النور/٣٩ ﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَلَهُمْ كَرِيمٌ بَقِيَعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمْثَانُ مَاءً حَلِيًّا إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا﴾، ولذلك فإنهم يتمنون لهم الإيمان ويدعونهم إليه.

ب - عداوة في الدنيا: وهي التي يكون سببها أمراً دنيوياً، كالمال، أو النساء، ونحو ذلك.

٣ - آثار العداوة:

أ - أثرها في الشهادة: لا تقبل شهادة العدو أي: من يحمل العداوة على عدوه، لأن رسول الله ﷺ (ردَّ شهادة الخائن والخائنة، وذبي الغمر أي: ذي الحقد والعداوة على أخيه، ورد شهادة القانع أي: المنقطع لخدمة أهل بيت لأهل البيت)^(١) ويراد بالعداوة هنا: العداوة الدنيوية، لأنها مبعث الأحقاد. أما العداوة الدينية: فإنها تُقبل فيها شهادة الأعلى على الأدنى، لإنتفاء الحقد من الأعلى على الأدنى، ولا تقبل شهادة الأدنى على الأعلى لتوفُّع الحقد منه، فتقبل شهادة المسلم على الكافر، ولا تقبل شهادة الكافر على المسلم، أما شهادة أهل الفرق بعضهم على بعض، فإنها مقبولة، إلا إن كانت فرقة الشاهد ممن يستحلون الكذب على فرقة المشهود عليه.

هذا في شهادة العدو على عدوه، أما شهادته لعدوه، فإنها مقبولة.

ب - أثرها في القضاء: وكما لا يجوز شهادة العدو على عدوه فإنه لا يجوز قضاء القاضي على عدوه، على التفصيل الذي ذكرناه في الفقرة السابقة (ر: عداوة/١٣).

ج - استباحة القتال: من أبدى العداوة من الكفار جاز بدؤُهُ بالقتال قبل أن يبدأ به، لقوله تعالى في سورة الأنفال/٥٨ ﴿وَأِمَّا تَحَارَبُوا مِن قَوْمٍ خِيَانَةٌ فَأَنْذِرْهُم بِالسَّيْفِ وَأَعْلَىٰ سَوْآتِهِمْ﴾. ومن أبدى العداوة من المسلمين فإنه يستحب ألا يُبدأ بالقتال حتى يبدأ به، إلا إذا علم الإمام أن تأخير قتاله يعطيه فرصة تنظيم نفسه، أو ورود سلاح إليه، وعندئذ يجب قتاله قبل استكمال استعداداته.

عداوة:

١ - تعريف: العداوة هي الخصومة المباشرة التي تجعل المرء يفرح بمصيبة من يعادي، ويحزن بسروره.

٢ - أنواع العداوة: العداوة على نوعين:

أ - عداوة في الدين: لو تصفحنا الآيات التي ورد فيها لفظ العداوة في القرآن الكريم، لما وجدنا فيها آية واحدة تبيح للمسلم أن يعادي من خالفه في الدين إلا أن يبدأ الكافر، بالعداوة، كما قال تعالى في سورة فاطر/٦ ﴿إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا﴾ لأنه لو أبيع له أن يعاديه لما تمنى له الدخول في الإسلام، بل لحزن أشد الحزن عندما يدخل الكافر في الإسلام، وهذا مناف لمنطق وجوب الدعوة إلى الإسلام بالحكمة كما قال تعالى في سورة النحل/١٢٥ ﴿ادْعُ إِلَىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ﴾، وجميع الآيات التي وردت فيها كلمة «العداوة» و «العدو» فإنما يراد بها معاداة الكفار لله، أو لرسوله، أو للمسلمين، وعلى هذا فإن معنى قوله تعالى في سورة الممتحنة/١ ﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ﴾، أي: لا تتخذوا من عادائي وعاداكم أولياء.

وإذا لم يكن موقف المسلمين من الكفار موقف العداوة، فإن المسلمين

MADDE 11, SONRA GELEN BÖKÜMLERİN
SONRA GELEN BÖKÜMLERİN
20 MAYIS 2002

(١) أبو داود في الأقضية باب من ترد شهادته.

شاملو، بهروز

۶۸۷۲- «شناخت شیوه‌های دشمن

از دیدگاه امام علی(ع)». دبیرخانه

همایش تبیین سیره دفاعی امام

علی(ع) (شماره ۱۸۰)، ص ۹۹-۱۳۲.

کد پارسا: G۲۷۸۱۹

دشمن‌شناسی؛ اندیشه‌های اجتماعی سیاسی

امام علی(ع) (امام علی(ع)) *Dürmanlık*

۱ مطالعه‌های مختصر در چگونگی و روش‌های

شناخت دشمن است که با هدف شناخت سیره

دفاعی امام علی(ع) و با تکیه بر دیدگاه‌های آن

حضرت تهیه شده است. نویسنده، بررسی این موضوع

را در قالب سرفصل‌های ذیل به انجام می‌رساند:

زمینه‌های پرورفته و آشوب، تفاخر و فخر فروشی،

نژادپرستی، شناخت ماهیت دشمن، شناخت شیوه‌های

دشمن، نفاق و دورویی، ایجاد اختلاف و

محدودیت‌های سیاسی، ایجاد جنگ روانی و

بهره‌گیری از شایعه، سیاست تطمیع و رشوه.

شریعتمدار، سیدمحمد رضا

«جایگاه نهج‌البلاغه در اندیشه

سیاسی اسلام، از آرمان تا واقعیت».

(شماره ۴۱۴۱)

اندیشه‌های سیاسی ائمه(ع)

بزرگی، سیدمهدی

۶۸۵۶- «دشمن شناسی از دیدگاه

حضرت علی(ع)». دبیرخانه همایش

تبیین سیره دفاعی امام علی(ع) (شماره

۱۸۰)، ص ۱۲۳-۲۱۶.

Düşmanlık

کد پارسا: G۲۷۸۱۸

دشمن شناسی؛ اندیشه‌های اجتماعی سیاسی

امام علی(ع)(امام علی(ع))

لِزوم شناخت دشمن و راه‌های مقابله با آن را
در سیره و اندیشه امام علی(ع) مورد مطالعه قرار
می‌دهد. به گفته نویسنده، دشمن شناسی در نظر
علی(ع) به اندازه‌ای مهم است که آن را رمز موفقیت
می‌داند. وی اصلاحات را یکی از عوامل شکل‌گیری
دشمن می‌شمارد و عمده این اصلاحات را در دوران
حاکمیت امام علی(ع) در اداره کشور، احقاق حق مردم
و بیت‌المال معرفی می‌کند که باعث به وجود آمدن
سه گروه مخالف در زمان حضرت یعنی ناکثین و
مارقین و قاسطین شد. مهم‌ترین روش‌ها و
تاکتیک‌های دشمنان از دیدگاه علی(ع) انجام
فعالیت‌های سازمانی و تشکیلاتی، طرح شعارها و
بهانه‌ها و سوزه‌های عامه‌نپسند، استفاده ابزاری از
چهره‌های وجیه، ایجاد شبهه، استفاده از نادانی مردم،
مکر و حيله، تبلیغات و جوسازی و ایجاد اختلاف و

فرصت‌طلبی ذکر شده است. از طرف دیگر بر هوشیاری در
برابر دشمن، به کارگیری منطق و استدلال، گرفتن
بهانه از دست دشمن به عنوان راه‌های مبارزه در ختنی
کردن این روش تأکید گردیده است.

10 TEM 2008